

جزای ایشان دوزخ باشد بسبب آنکه کافر شدند و گرفتند آیات مرا و پیغامبران مرا به تمسخر (۱۰۶) .

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند و کارهای شائسته کردند باشد ایشان را بوستا نهی بهشت جای مهمانی (۱۰۷) .

آنجا جاویدان باشند نه طلبند از آنجا بازگشتن (۱۰۸) .

بگو اگر باشد دریا سیاهی برای نوشتن سخنان پروردگار من البته تمام شود دریا پیش از آنکه با آخرسد سخنان پروردگار من اگرچه بیاریم مانند آن دریادریائی دیگر بطریق مدد (۱۰۹) .

بگو جزاین نیست که من آدمی ام مانند شما و حی فرستاده می شود بسوی من که معبود شما همان معبود یکتاست پس هرکه توقع دارد ملاقات پروردگار خود را باید که بکند کار پسندیده و شریک نیارد در عبادت پروردگار خویش هیچ کس را (۱۱۰) .

سوره مریم مکی است و آن نود و هشت آیت و شش رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

كَهَيْعَصَ (۱) .

این است بیان بخشایش پروردگارتو بر بنده خود زکریا (۲) .

چون ندا کرد پروردگار خود را (ندای) پنهان (۳) .

گفت ای پروردگار من هرآئینه سست

ذَلِكَ جَزَاءُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَأَخَذُوا بِالَّذِي وُرِئُوا ۝۱۰۶

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ۝۱۰۷

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَدْخُلُونَهَا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۝۱۰۸

قُلْ لَوْ كَانَ الْعِلْمُ بِرَبِّي لَتَوَدَّ الْمُشْرِكُونَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ رَبِّي وَوَجَعْنَا آلِهَتَهُمْ مَدَدًا ۝۱۰۹

قُلْ إِنَّمَا أَدَّبْتُ بِكُمْ تَوْحِيَّ إِنِّي أَخْلَقْتُ الْإِنسَانَ وَإِذْ يَقُولُ كَانَ يُرِجُو أَنَّ الرَّبَّ لَهُ مَلَكٌ مَعَهُ وَلَا يَبْعِدُونَ رَبَّهُ أَحَدًا ۝۱۱۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

كَهَيْعَصَ ①

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا ②

إِذْ نَادَى رَبَّهُ يَدَّأْهِئْ يَا ③

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ

يُدْعَاكَ رَبِّ سَعِيًّا ①

شده است استخوان از بدن من و سرم
از سفید موئی شعله ورگشته است و نبودم
دردعای تو ای پروردگار من بی بهره
(۴) .

وَأَنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَثَتِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا
فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ②

وهرآئینه من می ترسم از اقارب خود بعد
از خود وهست زن من نازای پس عطا کن
مرا از نزدیک خود وارثی (۵) .

يَرْبُؤُنِي وَيَرْبُؤُ مِّنَ الْإِسْلَامِ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ③

که میراث گیرد از من و میراث گیرد از
اولاد یعقوب و بکن اورای پروردگار من
مرد پسندیده (۶) .

يَرْبُؤُنَا أَنَا وَالْجِبْرَائِيلُ وَعِمْرَانُ إِذْ وَقِفَتُهُمْ وَكَانَ قُلُوبُهُمْ مُخَيَّبَتًا
لَهُمْ فَوَقَّعَهُمُ رَبُّهُمْ وَأَنبَأَ مَرْيَمَ بِحَبْلِ لَهَا وَكَانَ قَدْ عَلِمَ لِوَجْهِهَا
سَبِيًّا ④

گفتم ای زکریا هرآئینه مابشارت میدهیم
ترا بطفلی که نام او یحیی است پیدا
نکردیم پیش ازین هیچ هم نام اورا (۷) .

قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي وَنَذَرْتُكَ رَبِّي وَنَذَرْتُ وَرَثَتِي
وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ⑤

بگفت ای پروردگار من چگونگی پیدا
شود برای من طفلی وهست زن من
نازای وهرآئینه رسیده ام از سبب کلان
سالی بنهایتِ ضعف (۸) .

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَىٰ هَدًى وَقَدْ خَلَقْتَنكَ
مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُ سَيِّئًا ⑥

گفت هم چنین است وعده گفت پروردگار
تو این کار بر من آسان است و هرآئینه آفریدم
ترا پیش ازین ونه بودی تو چیزی (۹) .

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ الْأَخْطَمُ النَّاسُ
لَتَكُ لِي آيَةً سَيِّئًا ⑦

گفت ای پروردگار من معین کن برای من
نشانه ای فرمود نشانه تو آنست که سخن
نتوانی گفتن بامردمان سه شبانه
روز در حالتیکه صحیح المزاج باشی (۱۰) .

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَدَّى إِلَيْهِمْ وَأَن سَبَّحُوا
بِحَمْدِ رَبِّكَ وَعَشِيًّا ⑧

پس بیرون آمد بر قوم خود از محراب
عبادت پس اشارت کرد بسوی ایشان که
تسبیح گوئید صبح وشام (۱۱) ① .

يَسْمِي مُحَمَّدًا الْكَلْبَ بِقُوَّةٍ وَأَتَيْنَهُ الْحُكْمَ صَبِيحًا ۱۷

گفتیم ای یحیی بگیر (احکام) کتاب را
باستواری و دادیمش دانائی درحال کودکی
(۱۲) .

وَحَمَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَرَزُوقًا وَكَانَ تَقِيًّا ۱۸

و دادیمش شفقتی از نزدیک خود و طهارت
نفس و بود پرهیزگار (۱۳) .

وَبِأُولَادَيْهِ وَاَلْحَمْدُ جَبَّارًا عَصِيًّا ۱۹

و نیکوکردار به پدرومادر خود و نبود گردن
کش گنهگار (۱۴) .

وَسَلَّمَ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ مَيِّتَ وَيَوْمَ يُعْثَرُ حَيًّا ۲۰

و سلام باد بروی روزیکه متولد شد و
روزیکه بمیرد و روزیکه برانگیخته شود
زنده (۱۵) .

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّخَذَتْ مِنْ آهْلِهَا مَكَانًا
شَرِيفًا ۲۱

و یادکن در کتاب مریم را چون یکسوشد
از اهل خود جای به سمت برآمدن آفتاب
(۱۶) .

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا
فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ۲۲

پس گرفت این جانب از ایشان پرده پس
فرستادیم بسوی او روح خود را^(۱) پس به
صورت بشری درست اندام ظاهر شد
پیش مریم (۱۷) .

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ۲۳

گفت هرآئینه من پناه می برم بخدا از
تو ا گر پرهیزگاری باشی (۱۸) .

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ۲۴

گفت جزاین نیست که من فرستاده
پروردگارتوام تا عطاکنم ترا طفلی پاکیزه
(۱۹) .

قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ
أَكُتَبِيًّا ۲۵

گفت چگونه پیدا شود برای من طفلی
و دست نرسانیده است بمن هیچ آدمی
و هرگز نبودم زناکار (۲۰) .

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلِيمٌ هَدِيدٌ وَلَنَجْعَلَنَّ آيَةً

گفت وعده حق هم چنین است فرمود

(۱) یعنی جبرئیل علیه السلام را .

لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنْهُمَا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا ①

پروردگار تو که این بر من آسان است و می خواهیم که بسازیم این طفل رانسانه برای مردمان و بخشایشی از جانب خود و هست این مقدمه کاری مقرر کرده شده (۲۱).

فَحَلَلْتُمْ بِهَا فَانْتَدَبَتْ بِهِ مَكَانًا قَوِيًّا ②

پس به شکم بارگرفت آن طفل را پس یکسو شد مریم بسبب آن حمل بجائی دور از مردم (۲۲).

فَلَجَأَهَا مِنَ الْمَغَاضِ إِلَى جِدْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَلَيْتَنِي مِثُّ قَبَلِ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا نَسِيًّا ③

پس آوردش درد زه بسوی تنه درخت خرما مریم گفت ای کاش می مردم پیش ازین و می شدم فراموش از خاطر رفته (۲۳).

فَتَادَّبَهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنَ قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ④

پس آواز داد اورا (طفل یا جبرئیل والله اعلم) از جانب پائین او که اندوه مخورهر آئینه پیدا کرده است پروردگار تو پائین توجوئی (۲۴).

وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُنَظِقُ عَلَيْكِ رُطْبًا جَنِيًّا ⑤

و بجنبان بسوی خویش تنه درخت خرما را تابیفگند برسر تو خرمای تازه (بالفعل از درخت چیده) (۲۵).

فَطَّلِ الْوَابِسِينَ وَالْمَرْيَمَ مِنَ النَّسْرِ أَحَدًا قَوْلِي لِي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ لِنِسَاءٍ ⑥

پس بخورو بیاشام و آسوده چشم شو پس اگر ببینی از آدمیان کسی را پس بگو هر آئینه من نذر کرده ام برای خدا روزه را پس سخن نخواهم گفت امروز باهیچ آدمی (۲۶).

قَالَتْ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا مَا لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ لِنِسَاءٍ ⑦

پس برداشته آورد عیسی را پیش قوم خود گفتند ای مریم هر آئینه آوردی چیزی زشت را (۲۷).

يَا حَتَّ هُرُودُ مَا كَانَ آيُودُ أَمْرَأَتِهِ وَمَا كَانَتْ أَتُكِ بَيْتًا ⑧

ای خواهر هارون نه بود پدر تو مرد بد و نه بود مادر تو زنا کننده (۲۸).

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ⑨

پس مریم اشارت کرد بطفل خود گفتند

چگونه سخن گوئیم با کسی که هست در
گهواره در حال کودکی (۲۹) .

گفت عیسیٰ من بندهٔ خدام داده است
مرا کتاب و ساخته است مرا پیغامبر (۳۰) .

و ساخت مرا خدا بابرکت هرجا که باشم
و حکم فرموده است مرا به نماز و زکوة
مادامیکه زنده باشم (۳۱) .

و ساخت مرا نیکوکار به مادر خود و نه
کرده است مرا گردن کش بدبخت
(۳۲) .

و سلام بر من ست روزیکه متولد شدم
و روزیکه بمیرم و روزیکه برانگیخته شوم
زنده (۳۳) .

اینست قصه عیسیٰ پسر مریم (مراد میدارم)
سخن راست را که در وی مردمان
اختلاف میکنند (۳۴) .

نیست لائق خدا آنکه بگیرد هیچ فرزندی
پاکی او راست چون بخواهد کاری را
جز این نیست که میگویدش بشو پس می
شود (۳۵) .

و گفت عیسیٰ هر آئینه خدا پروردگار
منست و پروردگار شما پس عبادت
او کنید اینست راه راست (۳۶) .

پس اختلاف کردند جماعت ها میان
خویش پس وای کافران را از حاضر شدن
روز بزرگ (۳۷) .

چه قدر شنو باشند و چه قدر بینا باشند
روزی که بیایند پیش ما لیکن این ستم
گاران امروز در گمراهی ظاهر اند (۳۸) .

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ الْغَنِيُّ وَالْكَئِبُ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ۝

وَجَعَلَنِي مُبْرَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ
مَا دُمْتُ حَيًّا ۝

وَبَرًّا بِوَالِدِي ثُمَّ جَعَلَنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ۝

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ
حَيًّا ۝

ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ حَقَّ الْقَوْلِ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ۝

مَا كَانَ لَهُ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ تَلْهِيمَتِهِ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا
فَأَنبَأ يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ
مُسْتَقِيمٌ ۝

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ
مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْعُرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ
فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۸﴾

و بترسان ایشان را از روز پشیمانی چون بانجام رسانیده شود کار و ایشان در غفلت اندوایشان ایمان نمی آرند (۳۹) .

إِنَّا نَحْنُ رَبُّكَ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿۳۹﴾

هر آئینه ما وارث شویم زمین را و هر کسی را که بر زمین است و بسوی ما بازگردانیده شوند (۴۰) .

وَإِذْ كُنْتُمْ فِي الْكِنْبِ إِبْرَاهِيمَ إِذْ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا ﴿۴۰﴾

و یادکن در کتاب ابراهیم را هر آئینه وی بود راست کردار پیغمبری (۴۱) .

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ﴿۴۱﴾

یادکن چون گفت پدر خود را ای پدر من چرا عبادت می کنی چیزی را که نمی شنود و نه می بیند و دفع نمی کند از تو چیزی (۴۲) .

يَا بَنِيَّ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْغَالِمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ﴿۴۲﴾

ای پدر من هر آئینه آمده است پیش من از علم آنچه نیامده است پیش تو پس پیروی من کن تا دلالت کنم ترا براه راست (۴۳) .

يَا بَنِيَّ اتَّقِ اللَّهَ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ﴿۴۳﴾

ای پدر من عبادت مکن شیطان را هر آئینه هست شیطان مرخدای را نافرمان (۴۴) .

يَا بَنِيَّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُتَّخَذَ عَدَاؤُنِي مِنَ الرَّحْمَنِ فَكُونْ لِلشَّيْطَانِ وِلِيًّا ﴿۴۴﴾

ای پدر من می ترسم از آنکه برسد به توقعوتی از خدا پس باشی قرین شیطان (۴۵) .

قَالَ لَوْ كُنْتُ عَلِيمًا لَأَبْرَأَهُمُ الْكُفْرَ لَئِن لَّمْ يَتُوبَا لَأَكْفُرَنَّكَ وَالْهَجْرُ بَيْنَنَا ﴿۴۵﴾

گفت آیا روگردانی تو از معبودان من ای ابراهیم اگر باز نه ایستی البته سنگسار کنم ترا و ترک صحبت من کن مدتی دراز (۴۶) .

قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِن حَيِّبًا ﴿۴۶﴾

گفت سلام عليك امزش خواهیم طلبید برای تو از پروردگار خویش هر آئینه وی هست بر من مهربان (۴۷) .

وَأَعْتَقُكُمْ وَاتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وُدًّا وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۴۷﴾

وکناره گیرم از شما و از آنچه می پرستید

أَكُونُ بِدُعَاؤِ رَبِّي شَقِيحًا ﴿۴۸﴾

بغیر از خدا و خواهم عبادت کرد پروردگار خود را امید آنست که نباشم بسبب پرستش پروردگار خود بدبخت (۴۸) .

فَلَمَّا أَتَتْهُمْ وَأَمَا بَعْدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

پس چون کناره گرفت از ایشان و از آنچه می پرستیدند بغیر از خدا عطا کردیم وی را اسحق و یعقوب و هریکی را پیغامبر ساختیم (۴۹) .

وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿۴۹﴾

وَوَهَبْنَا لَهُم مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُم لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيمًا ﴿۵۰﴾

و عطا کردیم ایشان را چیزها از بخشش خود و ساختیم برای ایشان ذکر جمیل بنهایت بزرگی (۵۰) .

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَوْسَىٰ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لِي خَلْفًا مِنِّي وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ ﴿۵۱﴾

و یادکن در کتاب موسی را هر آئینه وی بود خالص کرده شده بود فرستاده پیغامبری (۵۱) .

وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ﴿۵۲﴾

و ندا کردیم او را از جانب راست کوه طور و نزدیک ساختیم او را رازگویان (۵۲) .

وَوَهَبْنَا لَهُ مِمَّن رَّحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ وَنَبِيًّا ﴿۵۳﴾

و عطا کردیم او را از بخشش خود برادر او هارون نبی ساخته (۵۳) .

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِذْ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ

و یادکن در کتاب اسمعیل را هر آئینه وی بود راست وعده و بود فرستاده پیغامبری (۵۴) .

وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا ﴿۵۴﴾

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ﴿۵۵﴾

و می فرمود اهل خود را بنماز و زکوة و بود نزدیک پروردگار خویش پسندیده (۵۵) .

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِذْ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا ﴿۵۶﴾

و یادکن در کتاب ادريس را هر آئینه وی بود راست کردار پیغامبری (۵۶) .

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيمًا ﴿۵۷﴾

و برداشتیم او را بمکانی بلند (۵۷) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَةِ

این جماعت آنانند که انعام کرد خدا بر ایشان از زمره پیغامبران از فرزندان

آدم و از نسل آنانکه برداشتیم بانوح و از

ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَيَعْقُوبَ وَازْجَمَلَهُ آتَانَاكَ

ذُرِّيَةِ ابراهیم و یعقوب و از جمله آنانکه

سَجْدًا وَبِكَيْتًا ۵۸

راه راست نمودیم ایشان را و برگزیدیم چون خوانده می شد برایشان آیات خدا می افتادند سجده کنان و گریان (۵۸) .

پس جانشین شد بعد از ایشان ناخلفی چند که ترك کردند نماز را و پیروی کردند خواهش هارا پس خواهند یافت جزای گمراهی (۵۹) .

لیکن هر که توبه کرد و ایمان آورد و کارشائسته بعمل آورد پس آنجماعت درآیند در بهشت و هیچ ستم کرده نشود برایشان (۶۰) .

بوستانهای همیشه ماندن که وعده داده است خدا بندگان خود را نادیده هر آئینه هست و وعده او آینه (۶۱) .

نشنوند آنجا هیچ سخن بیهوده لیکن سلام شنوند و ایشان را بُود روزی ایشان آنجا صبح و شام (۶۲) .

اینست آن بهشت که عطاکنیم از بندگان خویش آن را که پرهیزگار بود (۶۳) .

و (فرشتگان گفتند که) فرو نمی آئیم الا بحکم پروردگار تو اوراست (علم) آنچه پیش ما است^(۱) و آنچه عقب ما است^(۲) و آنچه در میان این ست و نیست پروردگار تو فراموش کار (۶۴) .

اوست پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه

خَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَةَ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا ۵۹

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا قَدْ وَلِيَكَ يَدِ الْخُلُونِ الْجَنَّةَ وَالْأُولَئِكَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ فِيهَا

جَنَّتِ عَذَابٌ لَكِنِّي وَعَدَّ الرَّحْمَنُ عِبَادَةَ بِالْقَلْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا ۶۰

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا الْقَوْلَ إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۶۱

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ۶۲

وَمَا نُنزِّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ۶۳

رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ

(۱) یعنی قیامت .

(۲) یعنی از ابتدای خلق آسمان و زمین .

وَأَصْطِرُّ لِيَأْتِيَهُمْ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَيِّئَاتٍ ﴿۶۵﴾

میان اینهاست پس عبادت او کن
و شکیباباش بر عبادت وی آیامیدانی
برای او همنامی یعنی مانند (۶۵) .

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا لِمْتُ لَسَوْفَ أَخْرِجُهُ حَيًّا ﴿۶۶﴾

و میگوید آدمی (یعنی آدمی کافر) آیا چون
بمیرم بیرون آورده خواهم شد زنده (۶۶) .

أَوَلَيْدُكُمُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ﴿۶۷﴾

آیا یاد نمی آورد آدمی که ما آفریدیم او را
پیش ازین و نبود هیچ چیزی (۶۷) .

فَوَرَبِّكَ لَنَحْضُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينُ لَنَكُنَّ حَوْلَهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ
جِثْيًا ﴿۶۸﴾

پس قسم پروردگار تو که البته برانگیزیم
این منکران بعث را با شیاطین باز حاضر
کنیم ایشان را حوالی دوزخ بزاند در افتاده
(۶۸) .

لَمْ يَلْمِزْنَاكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَأَنتَ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ﴿۶۹﴾

باز برکشیم از هر امتی آن را که از ایشان
جرات کننده ترست برخدا از روی
نافرمانی (۶۹) .

لَمْ نَعْنِ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا ﴿۷۰﴾

باز ما داناتریم بآنانکه سزاوار تراند
بدر آمدن دوزخ (۷۰) .

وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَاوِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ﴿۷۱﴾

و نیست از شما هیچ کس مگر گذرنده بر آن
هست این وعده لازم بر پروردگار تو
مقرر کرده شد (۷۱) .

لَمْ نُجِبْكَ الْذِينَ اتَّعَاوَنُوا ذُرَّ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثْيًا ﴿۷۲﴾

باز برهانیم متقیان را و بگذاریم ظالمان
را آنجا بزاند در افتاده (۷۲) .

وَإِذْ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ

و چون خوانده شود برایشان آیات ما
واضح آمده گویند کافران مسلمانان را
کدام يك ازین دو گروه بهترست در مرتبه
و نیکوتر است از روی مجلس (۱) (۷۳) .

آمَنُوا إِنَّ الْفَوْقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿۷۳﴾

وَلَمْ أَهْلِكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَنَا ثَاوِرِيًّا ﴿۷۴﴾

و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان طبقه

(۱) یعنی بعزت دنیا مغرور شدند .

مردمان را که بهتر بودند باعتبار رخت خانه و از روی نموداری (۷۴) .

بگو هرکه باشد درگمراهی پس افزون میدهد او را خدا افزون دادنی تا وقتیکه چون بینند آنچه ترسانیده شدند یا عقوبت را و یاقیامت را پس خواهند دانست کدام يك بدترست در مرتبه و ناتوان ترست باعتبار لشکر (۷۵) .

و زیاده میدهد خدا راه یابان را هدایت و حسنات پاینده شائسته بهترند نزدیک پروردگار تو از روی جزا و نیکو ترند از جهت بازگشت (۷۶) .

آیادیدی آن را که کافر شد بآیات ما و گفت البته داده شود مرا^(۱) مال و فرزند (۷۷) . آیا مطلع شده است بر غیب یا گرفته است از نزدیک خدا عهدی (۷۸) .

نه چنان بود، خواهیم نوشت آنچه می گوید و افزون دهیمش عقوبت افزون دادنی (۷۹) .

و بازستانیم پس از وی آنچه می گوید و بیاید پیش ماتنها (۸۰) .

و خدایان گرفتند بغير از خدا تا باشند ایشان را سبب عزت (۸۱) .

نه چنان بود، منکر خواهند شد پرستش معبودان خود را و خواهند شد برایشان ستیزنده (۸۲) .

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَبْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَذَاةً حَتَّىٰ إِذَا رَأَىٰ مَا يُوعَدُونَ إِذَا الْعَذَابُ وَرَا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِيكُمْ كَذَابًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا ۝

وَنَزَيْدٌ لِلَّهِ الَّذِي يَنْ هَدَىٰ وَابْتِغَاةُ الصَّالِحِينَ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا ۝

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُبْدِئَنَّ مَالًا وَوَلَدًا ۝

أَكَلَمَ الْغَيْبِ أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ۝

كَلَّا لَسَنُنَبِّئُكَ مَا يَقُولُ وَيُعَذِّبُهُ مِنَ الْعَذَابِ مَذَاةً ۝

وَنَزَيْدٌ مَّا يَقُولُ وَبِآيَاتِنَا أَفْرَدًا ۝

وَإِذْ تَخَذُوا مِنَ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ۝

كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعبَادَتِهِمْ وَيُرْوَنَ عَلَيْهِمْ ضِعْفًا ۝

آیاندیدی که فرستادیم شیاطین را برکافران می جنبانیدند ایشان را جنبانیدنی (۸۳).

پس شتاب مکن برایشان جزاین نیست که مدت می شماریم (۸۴).

روزیکه برانگیزیم متقیان را بسوی رحمن بصورت وفد (۸۵).

وروان کنیم گنه گاران را بسوی دوزخ تشنگان (۸۶).

نتوانند شفاعت کردن الاکسیکه گرفته است نزدیک خدا عهدی^(۱) (۸۷).

وگفتند فرزند گرفته است خدا (۸۸).

فرمود ایشان راهرآئینه آوردید چیزی زشتی (۸۹).

نزدیک اندآسمان ها که بشگافند ازین سخن وبشگافد زمین وبیفتند کوه ها پاره پاره شده (۹۰).

بسبب آنکه نسبت دادند بخدا فرزندی را (۹۱).

ونه سزد خدا را که فرزند گیرد (۹۲).

نیست هیچ يك ازآنکه درآسمان ها وزمین اند مگرآینده پیش رحمن بنده شده (۹۳).

هر آئینه بعلم درگرفته است ایشان را وشمارکرده است ایشان راشماراگردنی (۹۴).

أَلَمْ نُرَاكَ آتِنَا الشَّيْطَانَ عَلَى الْكُفْرِ بِنُورِنَا أَهْلًا ۝

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدْلًا ۝

يَوْمَ نَحْمُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا ۝

وَسَوْفَ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ رِدًّا ۝

لَيْسَ لَكُمُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَتَىٰ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ۝

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ۝

لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِذَا ۝

بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ يَنْظُرُونَ مِنْهُ وَيَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَيَخْرُجُ الْبَابُ
هَذَا ۝

أَنْ دَعَا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ۝

وَمَا يَتَّبِعُ إِلَّا الْغَرَضُ أَنْ يَتَّخِذَ وَكَلًا ۝

إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا ۝

لَقَدْ أَحْضَرْتُمُوهُمْ وَعَدُّهُمُ عَدْلًا ۝

(۱) یعنی مسلمان شده ووعده ثواب را مستحق گشته .

وَلَهُمْ فِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَرُوبًا ۝

وهریک از ایشان آینده است پیش وی روز قیامت تنها (۹۵) .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ۝

هر آینه آنانکه ایمان آوردند و کارهای شائسته کردند پیدا خواهد کرد برای ایشان خدادوستی را (۹۶) (۱) .

فَأَنبَأَ بَشِيرَهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَنَسُودَ بِهِ قَوْمًا لَدْنَا ۝

جزاین نیست که آسان ساختیم قرآن را بزبان تو تا مرزده دهی بآن متقیان را و بترسانی به آن گروه ستیزندگان را (۹۷) .

وَلَمْ أَهْلِكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَوْمٍ هَلْ يُخْشِ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ۝

و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان طبقات مردم آیامی بینی هیچ کس را از ایشان یامی شنوی از ایشان آواز آهسته (۹۸) .

سوره طه مکی است و آن یک صدوسی و پنج آیت و هشت رکوع است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝ طه ۱

مَا تَرَكْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ۝

بنام خدای بخشاینده مهربان طه (۱) .
فرو نه فرستادیم بر تو قرآن را تا رنج کشی (۲) .

إِلَّا تَذَكَّرُ ۝ كَرِهَ لِمَنْ يَغْتَثِبُ ۝

لیکن فرو فرستادیم برای پند دادن کسی را که بترسد (۳) .
فرو فرستادن از جانب کسیکه آفریده است زمین را و آسمانهای بلند را (۴) .

تَنْزِيلًا لِمَنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى ۝

وی بسیار بخشاننده است بر عرش قرار گرفت (۵) .

أَلْرَحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ۝

اوراست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و آنچه در میان اینهاست

لَهُ تِلْكَ السَّمَوَاتُ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

(۱) یعنی بایک دیگر دوست باشند .